

بنام خداوند جان و خرد

سرمقاله

منافع ملی ما چیست و در کجاست؟

بدیهی و طبیعی است که مسیر سیاست خارجی هر کشور باید در راستای حفظ منافع و مصالح مردمی که در آن سرزمین زیست می‌کنند ترسیم گردد. یعنی سیاست خارجی باید منطبق بر منافع ملی تبلور یافته و تعریف شود و نه بر اساس سلیقه و رأی و منافع قدرت‌های حاکم. یک دولت ملی و مردمی باید در همزیستی با همسایگان و روابط بین‌المللی و تعامل با جامعه جهانی در جاده‌ای حرکت کند که در مقصد و انتهای آن پیشبرد کشور از نظر اقتصادی، علمی و صنعتی و کسب شأن و حیثیت سیاسی و فرهنگی در سطح جهان در نظر گرفته شده باشد.

ایران سرزمینی است با سابقه تاریخی کهن و صاحب فرهنگی درخشان و موقعیت جغرافیایی راهبردی و منابع زیرزمینی گسترده و امکانات مالی قابل توجه و مردمی هوشمند و دانش‌پور که بیش از هر کشوری در منطقه، استحقاق داشتن وضعیتی استوار و احترام‌آمیز در جهان و مردمی مرفه و سعادتمند را دارد. اما متأسفانه حکومت جمهوری اسلامی و قدرت‌مداران برخاسته از انقلاب ۵۷، از ابتدای استیلای خود نه تنها از این امتیازات ویژه‌ی ایران در جهت احراز یک موقعیت استوار و احترام‌آمیز بهره نرفتند، بلکه به اعمالی در جهت مخالف این اهداف مبادرت نمودند.

اولین حرکت نادرست جمهوری اسلامی در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، اشغال سفارت آمریکا و گروهان‌گیری کارکنان آن در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بود. در سایه‌ی این حرکت ناشایست، هم حیثیت و اعتبار فرهنگی ایران مخدوش و هم میلیاردها دلار از اموال ملت ایران مسدود شد و از آن زمان تاکنون کشور ما را از بهره‌گیری از فرصت‌های مهم سیاسی و اقتصادی برای رسیدن به پیشرفت و توسعه محروم ساخت. و موجب خصومت بی‌هوده‌ای بین دو کشور شد که تاکنون ادامه دارد و تحریم‌های کمرشکن کنونی که نفس اقتصاد ما را به شماره انداخته، نیز ریشه در همان ماجرای نادرست دارد. جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران هم که صدام حسین دیکتاتور عراق آغازگر آن بود، نمی‌تواند با همان قضیه اشغال سفارت آمریکا و گروهان‌گیری بی‌ارتباط باشد. البته اگر حفظ منافع و مصالح ملی مدنظر بود، در همان شرایط هم، با اتخاذ سیاستی درست و با دادن پاسخ مثبت به دست دوستی که عراق در آن برهه به سوی ایران دراز کرده بود، می‌شد از آن جنگ ویرانگر پیش‌گیری کرد و یا حداقل پس از کمتر از دو سال که از آغاز مناقشه گذشته بود، به آن پایان داد. زیرا در آن برهه، هم امکان خاتمه دادن به جنگ وجود داشت و هم دریافت خسارت‌های وارده تا آن زمان را از کشورهایی که خود داوطلب پرداخت خسارت‌ها بودند مقدور و میسر بود. که هر دو امکان به علت سوء سیاست و عدم شناخت و درک سیاسی منتفی گردید و سرانجام، جنگ پس از ۸ سال تداوم با دادن صدها هزار شهید و معلول و به گفته‌ی رئیس‌جمهور وقت با هزار میلیارد دلار خسارت، با پذیرفته شدن قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت، از طرف جمهوری اسلامی و یا به بیان رهبر انقلاب اسلامی با نوشیدن جام زهر خاتمه یافت و اکنون که ۳۲ سال از پایان جنگ سپری شده، آیا منافع ملی ایران ایجاب نمی‌کرده و نمی‌کند که ما هزار میلیارد دلار غرامت جنگ را از دولت عراق که از نظر سازمان ملل متحد آغازکننده جنگ شناخته شده و قانوناً موظف به پرداخت غرامت است، از آن دولت مطالبه و دریافت کنیم؟ همان‌گونه که دولت کویت عمل کرد و خسارت‌های خود ناشی از تهاجم صدام حسین به کویت را از عراق دریافت نمود. به‌ویژه در این روزهایی که برای سامان دادن به اوضاع فراگیری کرونا مقضای وام

۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول شده و با جواب منفی روبرو شده‌ایم؟ در انقلابات زنجیره‌وار در منطقه که تحت نام «بهار عربی» از سال ۲۰۱۰ با خودسوزی یک جوان دست‌فروش از تونس آغاز گشت و سپس به مصر و لیبی و سوریه و یمن و به شکل محدودتری در سایر کشورهای منطقه تسری یافت، نارضایتی عمومی شهروندان این کشورها از استبداد و دیکتاتوری از یک‌طرف و از فقر و فساد و عقب‌ماندگی که خود معلول استبداد و دیکتاتوری هستند از طرف دیگر، عامل اصلی این قیام‌ها بود. صرف‌نظر از نارضایتی گسترده مردم، نباید ردپای رقابت‌ها و کشمکش‌های قدرت‌های خارجی و فرا منطقه‌ای را نیز در آن حوادث نادیده گرفت. زیرا که از زمان موافقت‌نامه سری سایکس و پیکو، نمایندگان دولت‌های انگلیس و فرانسه در سال ۱۹۱۶ و تقسیم کردن کشورهای منطقه به‌عنوان حوزه نفوذی خودشان، تاکنون قدرت‌های استعماری در منطقه مشغول نبرد آشکار و پنهان بر سر منافع خود بوده و هستند. با این داده‌ها کدام منافع و مصالح ملی ایران ورود در این مناقشات منطقه‌ای را ایجاب می‌کرد؟ اما حکومت جمهوری اسلامی، ظاهراً با ایده‌ی صدور انقلاب، در این باتلاق بی‌انتهای درگیری‌ها گام نهاد. واضح است که انقلاب صادر کردنی نیست، بلکه اگر جذابیت و موفقیتی در کانون خود داشته باشد، ملت‌های دیگر خود به دنبال آن می‌آیند و نیازی به قشون‌کشی و نظامی‌گری ندارد. که متأسفانه سردمداران انقلاب اسلامی با عملکرد خویش، هیچ جذابیت و موفقیتی برای انقلاب ایران فراهم نکردند.

قیام مردم سوریه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ به دنبال ضرب و شتم یک مرد سوری توسط یک افسر پلیس آغاز شد. و تا مدت‌ها به‌صورت تظاهرات صدها هزار نفری علیه حکومت دیکتاتوری بشار اسد در شهرهای مختلف سوریه ادامه یافت. این تظاهرات در روزهای مختلف به‌خصوص در روزهای جمعه که به نام‌های جمعه آزادی، جمعه عزت، جمعه مقاومت، جمعه شهید، جمعه مبارزه و دیگر اسامی نام‌گذاری شده بود، در شهرهای دمشق، درعا، حمص، لاذقیه و دیگر شهرها برگزار می‌شد. در روز ۱۸ مارس ۲۰۱۱ در شهر درعا، تظاهرات مردم برای اولین بار توسط نیروهای نظامی بشار اسد به خون کشیده شد و چهار نفر کشته شدند. این چهار تن، اولین قربانیان قیامی بودند که تاکنون ۹ سال طول کشیده و صدها هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر آواره به‌جای گذاشته و سوریه را ویران و به تلی از خاک تبدیل کرده است.

در روزهای اخیر تحولاتی در سپهر سیاسی و نظامی سوریه و کل منطقه به چشم می‌خورد. جدا از آنچه که مبنی بر مصلحت دانستن خروج از سوریه از طرف دبیر شورای امنیت ملی بیان شده باشد یا خیر، و جدا از گفته‌ی نماینده‌ی مجلس که هزینه‌ی جمهوری اسلامی در سوریه را از ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار ذکر کرده است. سؤال این است که چه کسی پاسخگوی دخالت ایران در منازعات سوریه با آن همه هزینه‌های هنگفت و آن تعداد جان‌هایی که در آنجا از دست رفت و این بغض و کینه‌ی ملت سوریه نسبت به ایران و ایرانی خواهد بود؟

مصالح و منافع ملی ایران با دخالت در درگیری‌های منطقه و خصومت ورزیدن با برخی از قدرت‌های جهانی و اتحاد با بعضی از قدرت‌های دیگر، هم‌خوان و سازگار نیست. منافع ملی ایران را باید در روابط دوستانه توأم با احترام متقابل با تمام کشورهای جهان و تمرکز روی جنبش غیر متعهدا جستجو کرد.

برخلاف نظر پژوهشگر روسی؛ چه باشکوه است فرهنگ کهن و غنی ایران زمین

اگر کسی به درستی و بدون کمترین غرض‌ورزی تاریخ کهن سرزمین ما را مورد پژوهش قرار دهد بی‌درنگ درمی‌یابد که این ملت و این سرزمین از فرهنگی غنی و سرشار از خلاقیت و هویتی مخصوص به خود برخوردار بوده و هست. اخیراً یکی از پژوهشگران مردم‌شناسی روسیه به نام آقای ایوان اسکن کیف، با شکی دکارتی و دیده تردید به هویت ما ایرانیان نگریده و آن را مورد پرسش قرار داده است. البته میهن ما از این همسایگان شمالی در طول تاریخ غیر از ناسازگاری و اجحاف و طمع و تعرض به این آب‌و‌خاک چیزی ندیده است. اما تاریخ سیاسی علمی و ادبی کشور ما توأم با فرهنگ مشحون از تفکر و آفرینندگی مبین هویت واقعی سرزمین اهورایی ایران زمین است.

هویت ما ایرانیان خفته در منشور حقوق بشر کورش کبیر مزار او در پاسارگاد است. منشور حقوق بشر کورش دوازده قرن پیش از «مگنا کارتای» انگلستان صادر شد. مگنا کارتای منشور کبیر انگلستان در ۱۲۱۵ میلادی، توسط «جان» پادشاه انگلستان برای تضمین حقوق و آزادی‌های بارون‌های این کشور صادر گردید در حالیکه منشور حقوق بشر کورش حدود هشت قرن پیش از مگنا کارتای بریتانیا صادر شد، و بسیار همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد است. افزون بر کورش که آزادکننده یهودیان در آن دوران بود. درحالی‌که رژیم آلمان نازی در قرن بیستم میلادی حدود شش میلیون یهودی را قتل‌عام کرد. هویت ما ایرانیان در تخت جمشید، بنای تاریخی بیستون، شوش، نقش رستم و چغازنبیل و تپه‌های مارلیک و شهر سوخته سیستان و بلوچستان متعلق به هفت هزار سال پیش نهفته است.

آئین زرتشت و کیش مهر نشان هویت برجسته ما ایرانیان است. زرتشت پیامبر ایران باستان به‌موجب فصل نوزدهم کتاب وندیداد حدود هفت قرن پیش از میلاد عیسی مسیح چشم به جهان گشود. آئین باستانی زرتشت مبتنی بر یکتاپرستی بوده و بر سه دستور اخلاقی مهم قرار داشته که تا آن روز نظیرش را هیچ‌کس ابراز نکرده و در تفکر متافیزیکی نوعی بدعت و نوع آوری محسوب می‌شد. این سه دستور عبارت‌اند از: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک. بسیار روشن است که اگر کسی یا ملتی این سه دستور را اجرا کند نه تنها سلامتی تن و روان خود را تأمین می‌کند بلکه به نیک بختی موردنظر خرد عالی بشری می‌رسد.

گات‌های زرتشت انسان را به یکتاپرستی سوق داد.

چنین تصویری از الوهیت و هستی‌شناسی. پیش از ادیان توحیدی یهودیت مسیحیت و اسلام به جهانیان عرضه شده است. بهشت و دوزخ نخستین بار توسط کیش زرتشت مطرح شده و این آیین دروغ‌گویی و ترس را به شدت مذمت می‌کند. نیچه فیلسوف معروف آلمانی در کتاب چنین گفت زرتشت خود می‌نویسد: «سخن راست بگو و متلاشی شو».

نیچه زرتشت را راست‌گوترین پیامبر دنیای باستان به حساب آورده است. از دیدگاه زرتشت دروغ و دروغ‌گویی همان چهره زشت اهریمن بدکیش است. بنابراین راستی و درستی و نیک‌اندیشی و نیک‌کرداری و نیک‌گفتاری هویت مسلم ایرانیان است که با تأکید دین اسلام بر راست‌گویی و دوری جستن از پلشتی‌ها در زندگی هر ایرانی فره ایزدی را در صداقت و پاک‌دستی و پاک‌دامنی می‌داند.

کیش مهر یکی دیگر از نشانه‌های بارز فرهنگ ایران زمین است. در گات‌های زرتشت کلمه میتره به معنای عهد و پیمان است و مهر ایزد محافظ عهد و پیمان و فرشته فروغ و روشنایی است. جشن مهرگان در مهرماه جشن ستایش از ایزد مهر و فرشته فروغ و روشنایی است. آیین ستایش مهر از ایران به بابل و آسیای صغیر رفت و سپس با سربازان رومی به اروپا راه یافت و در آنجا مهر به صورت خدایی بزرگ پرستیده شد و بدین گونه آیین مهرپرستی پدید آمد. پس از ظهور دین اسلام و پذیرش این دین توسط ایرانیان هویت ملی آنان همچنان باقی بود و یک چنین پایداری‌ای را وامدار حکیم ابوالقاسم فردوسی و شاهنامه می‌دانیم. چون کشورهای مانند مصر عراق لیبی سوریه لبنان الجزایر تونس و مراکش هیچ‌کدام عرب‌زبان نبودند اما پس از گرویدن آنان به اسلام زبان خود را از دست دادند. اما ایرانیان به همت فردوسی رودکی نظامی گنجوی سعدی و حافظ و مولانا زبان فارسی را حفظ کرده و فرهنگ و ادب و فلسفه و اندیشه پارسی و ایرانی و خسروانی را از گزند روزگار مصون داشتند.

اعراب همسایگان و بعضاً هم‌وطنان ما هستند. ما ایرانیان اکثراً مسلمان هستیم اما یکی از خصایص بارز فرهنگ ما احترام گذاشتن به اقلیت‌های مذهبی و به انسان‌ها با هر عقیده و مذهب و ایدئولوژی و رنگ پوست و نژاد و نگرش فلسفی است. بنابراین ما ایرانیان با فرهنگی باستانی، غنی و سرشار از انسان‌دوستی و یکتاپرستی به کلیه انسان‌ها در سرتاسر سیاره زمین احترام گذاشته و خواهان همزیستی مسالمت‌آمیز و فارغ از هر جنگ و ستیز و

دشمنی به هر دلیل هستیم. پس از ظهور اسلام در ایران شکوفایی تمدن اسلامی مرهون اندیشه والای دانشمندان و فیلسوفانی است که بسیاری از آن‌ها در مغرب زمین درخشیده‌اند. گرچه تمدن کشورهای غربی یونانی و رومی است اما در جهات متعدد وامدار آثار علمی دانشمندان ایرانی بوده‌اند. برای مثال ریاضی‌دان برجسته ایرانی ابوموسی خوارزمی شخصیتی است که «الگوریتم» که روش حل مسائل ریاضی گام‌به‌گام است از نام وی گرفته شده و لگاریتم نیز از نام این دانشمند ایرانی اخذ شده که امروز یکی از روش‌های مهم ریاضی در سرتاسر دنیاست.

ابوریحان بیرونی ریاضی‌دان و ستاره‌شناس برجسته قرن چهارم هجری شمسی، ابن‌سینا فیلسوف و پزشک نامی ایران که دو کتاب شفای او در فلسفه و قانون در طب تا اواخر قرون وسطا در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد.

محمد کرجی ریاضی‌دان قرن چهارم شمسی و خالق جبر استقرائی، و غیاث‌الدین جمشید کاشانی ریاضی‌دان و ستاره‌شناس برجسته و سازنده رصدخانه سمرقند که عدد پی را تا ۱۵ رقم اعشاری محاسبه کرد.

خیام نیشابوری، فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم، و شاعر قرن پنجم و ششم هجری شمسی و خواجه نصیر طوسی منجم، ریاضی‌دان برجسته بود که رصدخانه مراغه را پی افکند. و کمال‌الدین فارسی، کاشف انعکاس نور در قرن هفتم شمسی بوده و شیخ بهایی مهندس، دانشمند علوم ریاضی و اخترشناس بود، و آب زاینده‌رود را تقسیم نمود و روی زمین‌های ابدار توانست ساختمان‌سازی کند.

آنچه برشمردم گوشه‌ای از عظمت اندیشه و توان ذهنی مردم ایران زمین بود. پس چگونه می‌توان یک چنین فرهنگی را بی‌هویت، دروغین و ساختگی دانست؟

افسوس که اکنون، و در این عصر به‌جای اینکه از ظرفیت بالای ذهنی و استعداد جوانان این کشور استفاده کنیم، با دست خود آن‌ها را وادار به گریز کرده و به توان ذهنی و نیروی علمی کشورهای دیگر به ضرر ایران کمک می‌کنیم.

در پایان امیدواریم، ایران بتواند در جایگاه برتر علمی، فرهنگی و سیاسی جهان قرار گیرد و هرکس که در این سرزمین می‌زید، از زندگی خود و فرزندانش در آن احساس رضایت و خرسندی کند. اینجاست که باید اذعان کرد، هیچ ایدئولوژی‌ای برتر از زندگی و پیشرفت ملت ایران نیست.

نگاهی فلسفی به حکومت

در دنیای قدیم حکومت‌ها فردی-استبدادی بوده و همواره به دنبال صالح‌ترین و لایق‌ترین و آگاه‌ترین فرد بوده‌اند. در فلسفه‌ی سیاسی از افلاطون تا مارکس، فلاسفه به طرح این سؤال پرداخته‌اند که چه کسی حکومت کند؟ یا چه کس یا گروه یا نژاد یا طبقه‌ای شایستگی بیشتری برای حکومت دارد؟ بسته به شرایط تاریخی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هر فیلسوف یا متفکر و اندیشمند سیاسی یا متکلم دینی و یا قدرت حاکم، پاسخی به این پرسش داده است. افلاطون فیلسوف - شاه را شایسته‌ترین می‌دانست و دیگری نژاد کیانی را و سومی نژاد آریایی و گروهی مردان را و قومی روحانیون را و ... دسته‌های دیگر طبقه‌های خاص را. مارکس نیز که دولت و حاکمیت را زائیده‌ی طبقات اجتماعی و اقتصادی می‌دانست بر این باور بود که طبقه‌ی کارگر شایسته‌ترین طبقه برای حکومت است. در دنیای مدرن و تفکر دموکراتیک این پرسش و لذا پاسخ آن از اساس نادرست است. پرسشی سنتی - استبدادی است که قدرت و حکومت را مقدس می‌داند، و برای آن منشأ فلسفی یا دینی یا نژادی یا طبقاتی و یا مردانه قائل است. چون انسان‌ها حکم بدن را دارند، نیازمند رهبر و هادی شایسته و اخلاقی و عقل کل هستند. اعضای جامعه حکم صغاری را دارند که ولی و سرپرست عاقل و بالغ می‌خواهند. اما در دنیای جدید، انسان‌ها به‌صرف انسان بودن صرف‌نظر از منشأ نژادی یا طبقاتی یا جنسیت یا ملیت، دارای «حرمت و کرامت» هستند و دارای حقوق یکسان می‌باشند. دموکراسی از این فکر نشأت می‌گیرد که انسان‌ها برابرند. به قول کانت؛ هر انسانی فی‌نفسه غایت است و هیچ‌کس حق ندارد آن‌ها را ابزاری برای اهداف خود قرار دهد. در تفکر اومانیستی، چون انسان اصالت دارد و خود فی‌نفسه غایت و هدف است، همه‌ی نهادها از جمله دولت و حکومت ابزاری در خدمت تحقق خواسته‌های او به‌حساب می‌آیند. حکومت

فی‌ذاته نه قداست دارد، نه هدف است و نه منشأ قدسی و دینی و اخلاقی و نژادی و طبقاتی دارد. بلکه علاوه بر اینکه قدرت و دولت و حکومت ابزار است، شر هم هست. یعنی حکومت «شر لازمی» است که به‌منظور تأمین امنیت و آزادی مردم جعل می‌شود. منشأ حکومت هم صرفاً خواست و اراده‌ی ملی است. در تفکر دموکراتیک چون حکومت ارضیه‌ی فامیلی نیست و زائیده‌ی اراده و رضایت و رأی مردم است در صورت نارضایتی مردم، باید از طریق دموکراتیک - یعنی روش‌های غیر خشونت‌آمیز - بتوان آن‌ها تغییر داد. یعنی حکومتی دموکراتیک است که چگونگی اضمحلال خود را از طریق قانونی و مسالمت‌آمیز پیش‌بینی کرده باشد. جامعه‌ی عاقل و بالغ و انسان‌های دانا و توانا به‌منظور تأمین نیازهای خود با قراردادهای اجتماعی و روش‌هایی قانونی برای مدتی معین از میان خود افرادی را برمی‌گزینند. اگر این افراد کارایی و مدیریت لازم را نداشته‌اند و یا از قدرت تفویض شده بدن‌ها، سوءاستفاده کردند باید بتوان آن‌ها را کنار گذاشت. پس در دنیای جدید نوع نگاه به انسان عوض شده است. و انسان‌ها به لحاظ حق و حقوق و ارزش ذاتی، صرف‌نظر از جنسیت و ملیت و رنگ و نژاد و دین و آئین، موجوداتی برابر محسوب می‌شوند. داشتن و یا نداشتن ثروت و قدرت و دین یا رنگ و نژاد و جنسیتی خاص چیزی به انسانیت آن‌ها نمی‌افزاید و یا نمی‌کاهد. این انسان‌ها دیگر به دنبال صالح‌ترین یا برترین نیستند و از حکومت هم هدایت و رهبری به‌سوی نیکی‌ها را نمی‌خواهند. بسیاری از شهروندان از سران و رهبران حکومت داناتر و تواناترند و به لحاظ ارزش‌های اخلاقی نیز ممکن است برتر باشند. لذا حکومت را برای دفع شر و تجاوز و تأمین امنیت و آزادی و آسایش تشکیل می‌دهند و از آن در حد نگاه «ابزاری» انتظار دارند. اما چون قدرت فسادآور است و «باتقواترین را فاسدترین می‌کند»، باید راهکارهایی اندیشید

بالینی و تخصصی مداخله در بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی آموزش دیده‌اند و کار کرده‌اند، در چهار برهه از زمان بروز حادثه تا خروج از آن باید ایفای نقش کنند. مثلاً در برهه‌ی حاد افراد بازمانده باید پیروان حادثه اطلاعاتی کسب کنند و افراد کلیدی ناحیه آسیب‌دیده مانند معلمان، مأموران اورژانس، مسئولان امور بهداشتی بایسته است، به‌صورت ویژه آموزش‌های روان‌شناختی دریافت دارند تا واکنش‌های منفی در موقعیتی ناهنجار را رقم بزنند. نیازسنجی نیز در این مرحله آغاز می‌شود. همچنین در گام نخست مواجهه با قربانیان سوگوار، درمانده و نیز شوک زده، روانشناسان با شیوه‌های تخصصی درمانی می‌کوشند تا بار هیجانی آن‌ها کاسته شود و بازده زندگانی‌شان افزایش یابد. ایجاد فرصت برای پالایش هیجانی، یافتن راه‌های نوین سازگاری، کاربست شیوه‌های حل مسئله، آگاه‌سازی و پیش‌بینی نخستین آینده و استفاده از ساختارهای حمایتی موجود به‌ویژه برای کودکان، از جمله مهم‌ترین راهبردهای چنین مداخله‌ای است. نقش نیروهای حاکمیتی در این مورد بسیار پررنگ است، چراکه باید بتوانند، تصویر روشن و امنی برای بازماندگان ترسیم کنند که آنان از دستیابی به زندگی عادی با حمایت نهادهای مسئول اطمینان یابند. چنانچه این مهم صورت گیرد بسیاری از اختلال‌های روانی از جمله اختلال استرس پس

نقش حکومت در سوانح طبیعی

بود محال تو را داشتن امید محال به عالمی که نباشد همیشه بر یک حال فراز گشت نشیب و نشیب گشت فراز رمال گشت جبال و جبال گشت رمال (قطران تبریزی در سوگ زلزله تبریز ۴۳۴ ه ق)

بلایای طبیعی که قدمتی به تاریخ بشری دارد هم چنان در سراسر دنیا مسئله‌ای دشوار به‌شمار می‌آید و متخصصان مختلف با پشتیبانی حکومت‌ها برای مدیریت بهینه‌ی آن برنامه‌ریزی می‌کنند و هم در مقام پیشگیری هم در جایگاه مداخله در بحران کارآمدی دولت‌ها و اهمیت‌شان به جایگاه انسان در دیدگاه‌شان سنجیده می‌شود. از یاد نباید برد که رخداد یک بلایه طبیعی منحصر به یک منطقه نمی‌ماند. مثلاً زلزله‌ای که پاره تن ایران‌زمین، آذربایگان خاوری را لرزاند، رخدادی بود که تمام باشندگان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی را اندوهناک و سوگوار کرد.

وقوع زلزله در ایران نادر نیست و در دهه‌های اخیر شاهد این حادثه در نقاط مختلف کشور بوده‌ایم. هر چند هنوز بشر از پیشگیری و مهار تمام ابعاد حوادث و بلایای طبیعی ناتوان است، اما امروزه در جهان نوین دانش انسانی به آن پایه رسیده است، که با مدیریت

وقتی هزاران کودک در خون خود پرپر زد (سیمین بهبهانی در سوگ زلزله اردبیل سال ۱۳۷۵)
حال پیشنهاد می‌شود، تا سازمان‌هایی چون بهزیستی، هلال‌احمر از نهادهای صاحب صلاحیت علمی و عملی در این حیطه یاری بجوید و کمیته‌ای تخصصی زیر نظر آنان تشکیل دهد و پروتکل‌های آموزشی و اجرایی بر مبنای پروتکل‌های معتبر جهانی و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران تدوین کند تا بر اساس آن نیروهای صاحب صلاحیت در سراسر کشور برای این منظور تربیت شوند، که در مواقع لزوم با نظارت و مدیریت مثلا سازمان هلال‌احمر از آغاز بحران بتوانند نقش تخصصی خود را ایفا کنند. البته این پیشنهادها برای زمامدارانی است که در خدمت مردم و دلسوز آنان باشند، نه زمامدارانی که منافع و مصالح جامعه و شهروندان کمترین جایگاهی در افعال و رفتار آنان ندارد.

به این مهمی را در دستور کار سازمانشان قرار نداده‌اند و گرنه کارمندان دلسوز این سازمان‌ها در بحران‌ها به گواه حاضران از هیچ تلاش و کوشش صمیمانه دریغ نورزیده‌اند. مسئله اساسی آن است که برای مدیریت بهینه در چنین مواردی، سازمانی که از جهت قانونی مکلف به انجام مسؤلیتی است، باید در اسرع وقت با نیروهای آموزش‌دیده در محل رخداد حادثه حضور داشته باشد و با سازمان‌دهی، زمینه یاری‌رسانی‌های تخصصی نهادهای دیگر را فراهم آورد، تا هم موازی کاری و اتلاف انرژی تخصصی صورت نگیرد و هم در زمانی که نیروهای داوطلب برای هماهنگی و ساماندهی برنامه‌ها درگیر هستند، یاری‌رسانی تخصصی معطل نماند.

بر درها درمان‌ها از سوی یاران آمد
بر زخم‌ها مرهم‌ها دستان یاری گرد
ای تختیان برخیزید، با روح تختی همدل

از فشار روانی، اختلال‌های خلقی، بیماری‌های روان - تنی و... در گروه قابل‌توجهی از آسیب‌دیدگان قابل‌پیشگیری خواهد بود، که هم از جنبه اخلاق انسانی وظیفه تأمین بهداشت روانی ایشان ایفا شده است و هم از جهت اقتصادی هزینه‌های کمتری بر نظام درمانی تحمیل خواهد شد. در پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی نیز این مسئله موردتوجه قرار گرفته و با توجه به ضرورتش بر ارائه چنین شیوه‌ای از یاری‌رسانی در اسرع وقت تأکید شده است. با توجه به آنچه گفته آمد، بایسته است، گروهی از روانشناسان متخصص مداخله در بحران از سوی سازمان هلال‌احمر با توجه به پروتکل‌های جهانی در ۴۸ ساعت نخست در منطقه حضور یابند، که متأسفانه اخبار رسیده حاکی از آن است که این مسئله تاکنون مراعات نشده است. شایان‌ذکر است مخاطب این نوشتار مدیران ارشد سازمان‌های حاکمیتی هستند که باوجود تجربه‌های پیشین، برنامه‌ریزی برای اقدامی

راه نجات کشور از این اقتصاد ویران

شده است و در محل رخنمون این گسل، لرزه‌های پیاپی را تا پایان سال خواهیم داشت. تورم اکنون موتور محرک اقتصاد ایران است و قابل کنترل نیست.

در اقتصادهای سالم و پیشرفته تغییرات جزئی قیمت‌ها، انگیزه کافی برای تولید و تعادل عرضه و تقاضا را فراهم می‌کند. اما متأسفانه تورم بالا در اقتصاد ایران، سطح تعادل عرضه و تقاضا را در سطحی قرار داده است که سیاست کاهش فشار و سوزاندن نقدینگی، نتایج مطلوبی ایجاد نمی‌کند و تنها اثرات ضد تورمی محدودی دارد.

آنچه بازیگران اقتصادی امروز ما گرفتار آن شده‌اند، در واقع دعوت دولت به نوسان‌گیری عمومی و به عبارت دقیق‌تر سفته‌بازی چندجانبه است.

راه پیش رو، اقتصاد ایران را با پر فشاری نقدینگی بیشتر، ابرتورم و ورشکستگی ملی روبرو خواهد کرد.

هرچند تحولات اخیر حساسیت‌پذیری مباحث اقتصادی را در جامعه بیشتر کرد و متأسفانه در شرایط نامطلوبی زنگ توجه به اقتصاد در جامعه مدنی زده شد، اما با عادی شدن شرایط نامطلوب اقتصادی، اکنون نوبت نیروهای سیاسی و به‌ویژه ملی است تا با درک دقیق روندهای اقتصادی، علاوه بر هشدار به جامعه و حاکمیت، حداکثر توان را برای حفاظت از دارایی‌های ملی به عمل آورند. افزایش تولید ملی، مبارزه واقعی با فساد نهادینه‌شده و گسترده، به هدر ندادن منابع مالی کشور در راه اهداف ایدئولوژیک، چه در داخل و چه در بیرون از مرزها و حرکت مؤثر در جهت پایان دادن به تحریم‌های کمرشکن، راه نجات کشور از این اقتصاد ویران شده است.

از این رو سیاست سوزاندن نقدینگی از طریق روش‌های کم‌هزینه‌تر در دستور کار قرار گرفته است، هرچند ماهیت اقدامات جدید نیز با رویکرد تعدیل نرخ بنزین تفاوت ماهوی خاصی ندارد.

حکومت، اقتصاد کشور را وارد مرحله نوسان و تزلزل کرده است. از یک طرف برای تأمین کسری بودجه با عرضه حبابی برخی سهام‌ها، نقدینگی را از بانک‌ها به سمت بورس هدایت کرده است و از سوی دیگر با تعدیل شاخص، سود اولیه و نقدینگی سهامداران غیرحرفه‌ای را به‌راحتی می‌سوزاند.

در همین مدت نرخ دلار نیز تا سقف ۲۰۰۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است و مسکن، خودرو و طلا نیز جهش قیمتی دیگری را تجربه کرده‌اند.

آنچه در اقتصاد امروز ایران در جریان است، حمله هم‌زمان و چندجانبه نقدینگی به بازارهای مختلف است.

شوک متناوب بازارهای اقتصادی علاوه بر تحمیل فقر، تورم بزرگ‌تری را برای سال جاری ۹۹ بر امغان خواهد آورد.

البته بانک مرکزی مدعی است که تورم ۲۲ تا ۲۴ درصدی را هدف‌گذاری کرده است.

اما شواهد اقتصادی نشان می‌دهد دولت تنها رقم تورم ۴۲ درصدی سال ۹۸ را تبدیل به رقم ۲۴ کرده است تا شکلی دیگر از لایحه رد شده کاهش صرفه‌های پول ملی را به نمایش بگذارد. تنها نگاهی به مجوزهای افزایش قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی نشان می‌دهد در همین ماه‌های آغازین سال حداقل رشد ۲۰ تا ۳۰ درصدی را دریافت کرده‌اند.

نرخ اجازه نیز حداقل ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است و نرخ مسکن نیز حداقل ۲۵ درصد و در برخی موارد تا سیصد درصد و بیشتر افزایش قیمت داشته است و هر مترمربع مسکونی از قیمت متوسط ۱۳ میلیون تومانی به ۱۷ میلیون تومان رسیده است.

این قیمت‌ها تا انتهای سال ثابت نخواهند ماند و با کاهش قابل پیش‌بینی ارزش پول ملی، جهش تازه‌ای را تجربه خواهند کرد. اقتصاد ایران علاوه بر رکود تورمی، بر گسل نقدینگی نیز سوار

خیزش آبان ماه ۹۸، بخش کمتر مورد توجه، در تحولات اجتماعی را آشکار کرد.

بی‌توجهی به مسائل اقتصادی مردم، توسط دولت اصلاحات، باعث روی کار آمدن دولت احمدی نژاد از طریق تظاهر به عدالت‌طلبی شد.

دولت روحانی نیز راه اسلاف خود را طی کرد و درمان بیماری و فساد اقتصادی را از طریق تعدیل شوک آفرین نرخ بنزین، تشخیص داد.

افزایش ۲۰۰ درصدی نرخ بنزین به‌طور مستقیم سبب هزینه خانوارهای فرودست ایرانی را هدف قرار داد و منجر به خیزش عمومی و بزرگی شد که ابعاد آن هنوز هم به‌درستی تحلیل و بررسی نشده است.

به‌رغم پیش‌بینی‌های نادرست دولت، با افزایش قیمت بنزین، قیمت سایر کالاها اعم از مواد غذایی، لوازم منزل، اتومبیل و قیمت حمل‌ونقل عمومی و قطعات خودرو ثابت نماند و این افزایش فرصتی برای جهش همه‌ی قیمت‌ها را فراهم کرد.

البته دولت روحانی از محل افزایش قیمت بنزین درآمد بزرگی کسب کرد و بحران کمبود هزینه‌های جاری دولت‌ش را از جیب ملت به تأخیر انداخت.

تخلیه فشار اعتراضی زمینه لازم را برای تحقق کاهش ارزش پول ملی و تغییر نرخ دلار فراهم کرد. از آبان ۹۸، نرخ دلار از رقم حدودی ۱۲۰۰۰ هزار تومان تا اوایل سال ۹۹ در کانال قیمتی ۱۶۰۰۰ تومان قرار گرفت و اکنون به مرز ۲۰۰۰۰ تومان نزدیک شده است.

بنا به آمارهای رسمی دولت روحانی اقتصاد ۹۸ را با تورمی حدود ۴۲ درصد به پایان رساند درحالی‌که حداقل ۳۰ درصد ارزش پول را نیز کاهش داد.

بودجه ۹۹ داستان نقدینگی و کسر بودجه بزرگ دولت بار دیگر ماجرای ناکامی دولت در اداره اقتصاد را به نمایش گذاشت.

استفاده دولت از شوک قیمتی بنزین و اعتراضات گسترده امکان تعدیل بیشتر نرخ کالا را تا چند سال آتی از دولت‌های بعدی و از جمله دولت روحانی گرفته است.

پيام
تجهم‌لی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد
دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
<http://jebhemeliiran.org>
E-mail: info@jebhemeliiran.org

ای هموطن، به کوی وفا سر زن
برخیز و دست غیرت ایرانی
استاد ادیب برومند

دامان همتی به کمر بر زن
در کار سرفرازی کشور زن